

پرسمان

- راه‌های نفوذ شیطان
- خواندن نماز برای پدر
- معیارهای انتخاب همسر
- تاریخچه وهابیت
- راه‌های حراست از خانواده

● راه‌های نفوذ شیطان

خانم سمیه جبارزاده، شماره اشتراک ۱۲۵۶۹
□ شیطان از چه راه‌هایی به انسان‌ها وارد می‌شود؟
○ ورودی‌های شیطان به قلب انسان، فراوان است؛ از جمله: لقمه حرام، شراب، قمار، شایعات، تفرقه‌ها، هم‌نشینی با دوستان نا اهل، حسادت، عجب، غرور، آرزوهای نابه‌جا، تبلیغات سوء، زرق و برق دنیا، بهره‌گیری از چشم و گوش و زبان و شهوت و... بسیاری از امور دیگر.

امام علی (ع) می‌فرماید: «آن‌ها (شیطان صفتان) شیطان را پشتوانه خود گرفتند و شیطان نیز از آنان دام بافت، در سینه‌های آنان جای گرفت و در کنارشان پرورش یافت. پس شیطان نگاه کرد با چشم آنان و سخن گفت با زبان آنان، آنان را به راه خطا برد و زشت را در دیده آنان آراست و زیبا جلوه داد، شریک او شدند و هرچه او خواست عمل کردند و گفتند.»^۱

بعضی‌ها چنان راه نفوذ شیطان را بردل و اعضا و جوارح خود هموار می‌کنند که همه وجودشان را شیطان در اختیار می‌گیرد و یک‌پارچه شیطانی می‌شوند که باید از شر آنان به خدا پناه برد.

□□□

● خواندن نماز برای پدر

□ کسی که پدرش را از دست داده چگونه برای او نماز بخواند؟

○ پرسش شما ابهام دارد؛ معلوم نیست از نماز مستحب پرسیده‌اید یا نماز واجبی که از پدر قضا شده است. اگر منظورتان نمازهای مستحبی است پاسخ این است که بر اساس آموزه‌های دین، پس از مرگ، نامه اعمال مردگان بسته نمی‌شود و با تداوم برکاتی که از او در دنیا باقی مانده است و یا با کارهای شایسته‌ای که فرزندان انجام می‌دهند، ثواب‌هایی در نامه اعمال او ثبت می‌شود. بنابراین هر یک از بازماندگان می‌توانند کارهای شایسته‌ای را مانند دادن صدقه، خواندن نمازهای مستحبی و... به نیت آنان انجام دهند و آن را به فوت شدگان از جمله پدر یا مادر مرحوم خود هدیه کنند.

اما اگر منظور شما نمازهای واجب است، با استفاده از توضیح المسائل مراجع در پاسخ می‌گوییم:

اگر پدر نماز و روزه خود را به جا نیاورده باشد، چنانچه از روی نافرمانی ترک نکرده و می‌توانسته قضا کند، بر پسر بزرگ‌تر واجب است که بعد از مرگش به جا آورد، یا برای او اجیر بگیرد [یعنی به فردی پول بدهد تا قضای نماز یا روزه پدر را انجام

دهد]. بلکه اگر از روی نافرمانی هم ترک کرده باشد واجب است به همین طور عمل کند و نیز روزه‌ای را که در سفر نگرفته، اگر چه نمی‌توانسته قضا کند، واجب است که پسر بزرگ‌تر قضا نماید یا برای او اجیر بگیرد.^۲

برای افزایش اطلاعات خود به رساله عملیه مرجع تقلید خود مراجعه فرمایید.

□□□

● معیارهای انتخاب همسر

آقای صادق جبارزاده، شماره اشتراک ۱۱۷۶۶ □ چگونه باید همسر آینده خود را انتخاب کنیم و چه خصوصیتی باید داشته باشد؟

○ برای انتخاب همسر مناسب لازم است دختران و پسران این نکات را رعایت کنند:

۱. مشورت: برای هر انسانی لازم است که «راهنمایی دانا» برگزیند و در همه امور مهم زندگی‌اش، با او مشورت کند، هر چند که برای یافتن آن لازم باشد زحمتهایی را تحمل کند، زیرا راهنما در زندگی انسان، تأثیر بسزایی دارد. تکیه به رأی خود و مشورت نکردن، برای جوانان خطرناک است. خصوصاً در مسئله انتخاب همسر که ممکن است پشیمانی‌های غیرقابل جبرانی به بار آورد. خداوند در توصیف مؤمنان می‌فرماید: «آنان اهل مشورت‌اند»^۳ و چه امری مهم‌تر از انتخاب همسر!

۲. تحقیق: دختر و پسر برای تحقیق از یکدیگر باید راه‌های تحقیق و چگونگی آن را مطالعه و بررسی کنند. میزان تحقیق برای همه یکسان نیست، زیرا فرد مورد تحقیق هر چه آشناتر باشد، تحقیق کم‌تری می‌طلبد. کسانی که بخواهند با خویشان و آشنایان خود ازدواج کنند، کارشان آسان‌تر است و شاید لازم نباشد همه مسائلی را که درباره تحقیق بیان می‌شود، رعایت کنند، هر چند که آنان نیز از تحقیق و مشورت و بررسی برخی از جوانب مجهول، بی‌نیاز نیستند.

۳. گفت‌وگو: برای شناخت بیشتر، ضروری است که دختر و پسر با هم به طور مستقیم گفت‌وگو کنند

و در فضایی آرام و بدون خوف و فشار از طرف دیگران، مسائل و نظرات خود را بیان نمایند. گفت‌وگو باید با آمادگی قبلی باشد تا هر یک از طرفین بتوانند خود را آماده کرده و آنچه را می‌خواهند مطرح کنند.

یکی از فایده‌های مهم گفت‌وگو این است که دختر و پسر یک‌دیگر را می‌بینند و می‌توانند به مکنونات درونی‌شان پی ببرند. این یکی از اصول روان‌شناسی است که امام علی(ع) آن را این‌گونه بیان می‌فرماید: «انسان هر چه را در دل و درونش پنهان کند، از لغزش‌های زبان و حالت‌های چهره‌اش آشکار می‌شود»^۴

۴. توکل بر خدا: بر خدا توکل کنند و از او خیر و هدایت بطلبند و از او کسب تکلیف نمایند.

اگر انسان همسری ناشایست یا نامتناسب و ناهم‌آهنگ انتخاب کند، کارش بسیار مشکل خواهد بود. بنابراین برای انتخاب همسر باید معیارهایی داشته باشیم؛ یعنی دختر و پسر، باید ملاک‌ها و میزان‌هایی داشته باشند و بدانند چه همسری با چه مشخصات و صفاتی می‌خواهند.

می‌توان ملاک‌ها و معیارها و خصوصیتی را که در انتخاب همسر باید در نظر گرفته شود، به دو قسم دسته‌بندی کرد:

۱. آن‌هایی که رکن و اساس‌اند و برای زندگی سعادت‌مندان حتماً لازم‌اند؛

۲. آن‌هایی که شرط کمال هستند و برای بهتر و کامل‌تر شدن زندگی‌اند و بیش‌تر به سلیقه و موقعیت افراد بستگی دارد.

در این جا به طور مجمل درباره همه آن‌ها بحث می‌کنیم:

۱. تدین و دین‌داری: کسی که پای‌بند دین نیست، تضمینی وجود ندارد که پای‌بند رعایت حقوق همسر و ادامه زندگی مشترک باشد. اگر یکی دین‌دار و دیگری بی‌دین باشد، زندگی آنان روی سعادت را نخواهد دید. سعادت بدون دیانت، محال است. اگر

هر دو بی دین باشند، باز تضمینی وجود ندارد که حقوق یک‌دیگر را رعایت کنند. البته منظور از دین‌داری و تدین این است که کاملاً به اسلام پای‌بند باشند و اسلام را با جان و دل پذیرفته و در عمل به آن کوشا باشند، نه تدین سطحی و بی‌ریشه و بی‌عمل.

پیامبر(ص) به شخصی که می‌خواست ازدواج کند، فرمود: «علیک بذات الدین»^۵ بر تو باد که همسر دین‌دار بگیری.»

در جایی دیگر فرمود: «کسی که با زنی به دلیل ثروت‌مند بودنش ازدواج کند، خداوند او را به حال خودش وامی‌گذارد. کسی که فقط به دلیل زیبایی با زنی ازدواج کند، در او امور ناخوش آیند خواهد دید، اما کسی که برای دین و ایمانش با او ازدواج کند، خداوند همه آن امتیازات را برایش فراهم خواهد کرد.»^۶

دین‌دار بودن، به این است که دارای صفات ذیل باشد: عفت، حجاب، حیا، نجابت، اخلاق خوب، خوش‌حرف و خوش‌زبان، اهل نماز و مناجات، علاقه‌مند به قرآن و اهل بیت پیامبر(ص)، ترس از خدا، آبرونگه‌دار، اسراف‌کار نبودن و ...

۲. اخلاق خوب: از ویژگی‌های لازم و اساسی برای همسر است. منظور از اخلاق خوب، فقط خنده رویی و خوش خلقی نیست، بلکه به معنای اخلاق اسلامی داشتن و نفس اماره را تهذیب کردن است. پیامبر(ص) فرمود: «إذا جاءكم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه و ان لا تفعلوا تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر»^۷ با کسی که اخلاق و دینش مورد پسند باشد، ازدواج کنید. اگر چنین نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد.»

فردی از امام رضا(ع) سؤال کرد: برای دخترم خواستگاری آمده که بد اخلاق است، آیا دخترم را به او بدهم؟ حضرت فرمود: «لا تزوجه ان کان سیئ الخلق»^۸ اگر بد اخلاق است، دخترت را به او نده. از مظاهر اخلاق بد، لجاجت و یک‌دندگی، سخت‌گیری‌های نامشروع، تکبر، بی‌ادبی، بی‌وفایی،

کینه‌توزی، سوء ظن داشتن، سبکی و هرزگی، کم‌ظرفیتی و بی‌تابی، با محبت نبودن و بد چشم بودن است.

۳. شرافت خانوادگی: منظور از شرافت خانوادگی، شهرت و ثروت و موقعیت اجتماعی نیست، بلکه منظور، نجابت و پاکی و تدین خانوادگی است، زیرا ازدواج با یک فرد مساوی است با پیوند با یک خانواده و فامیل و یک نسل. در ازدواج و انتخاب همسر در اولین وهله معقول نیست که انسان بگوید: من می‌خواهم با خود این فرد زندگی کنم و کاری به کار خانواده‌اش ندارم. پیامبر(ص) فرمود: «انظر فی ای شیء تضع ولدک فان العرق دساس؛ نیک بنگر که فرزندی را در کجا قرار می‌دهی، زیرا نطفه و خصوصیات ارثی، خواه ناخواه منتقل می‌شود و تأثیر می‌گذارد.»

پیامبر(ص) فرمود: «بنگرید چه کسی را به همسری برمی‌گزینید، زیرا فرزندان، شبیه دایی‌هایشان می‌شوند.»^۹

باز حضرت فرمود: «ایاکم و خضراء الدمن! قیل یا رسول الله! و ما خضراء الدمن؟ قال: المرأة الحسنة فی منبت السوء؛ از سبزه‌های قشنگی که روی مزبله‌ها سبز می‌شود پرهیز کنید. پرسیدند: مقصودتان چیست؟ فرمود: زن زیبایی که در خانواده‌ای پلید رشد کرده باشد (پسر نیز همین طور).

۴. زیبایی: زیبایی نیز یک امتیاز است و در شیرینی و سعادت زندگی زناشویی تأثیر بسزایی دارد. اگر انسانی، قیافه ظاهری و اندام همسرش را نپسندد و او را دوست نداشته باشد، ممکن است به طور ناخواسته به او ستم و جفا کند و از او بهانه و ایراد بگیرد و زندگی را بر او تلخ نماید.

به همسران سفارش شده است که خود را برای هم بیاریند و یک‌دیگر را اشباع و ارضا کنند تا از انحرافات و مفاسد مصون بمانند.

۵. کفو هم‌دیگر بودن: تناسب و همتایی در علم و سواد و دین و ایمان و فرهنگ و فکر و اخلاق و

تحصیلات علمی و سن و مال هر چه بیش تر باشد، مشکلات خانوادگی کم تر خواهد بود.^{۱۰}

□□□

● تاریخچه وهابیت

آقای مصطفی حکیمی، شماره اشتراک ۱۲۸۱۹ □ وهابیت و بهائیت چگونه به وجود آمدند و آرای علمای مسلمان درباره این فرقه و عقایدش چیست؟

○ وهابیت در واقع یک انشعاب تندرو و متعصب از میان اهل سنت است که خود را پیرو راستین اسلام می داند و سایر تفکرات و نگرش های اسلامی را باطل و انحرافی می انگارد. علمای دیگر فرقه ها مسیر آنان را ناصواب می دانند. آن ها در واقع یک فرقه کلامی و سیاسی هستند، نه فقهی، و در ظاهر با فرقه های چهارگانه اهل سنت مشکلی ندارند و خود نیز غالباً «حنبلی» هستند، ولی به دلیل تفاسیر خاصی که از توحید و شرک دارند، بسیاری از مسلمانان فرقه های دیگر را کافر دانسته، آنان به قتل رسانده و می رسانند.

اما بهائیت یک دین ساختگی و سیاسی است و اصلاً آنان در سلک مسلمانان قرار ندارند و همه بر باطل بودن آن اذعان دارند. آنان کتاب، آیین و قبله مستقل دارند. مبنای فکری و عملی آنان نیز بر تقیه و برخورد های خوش و جذب افراد از راه های گوناگون و درگیر نشدن با سایر ادیان و مذاهب است. به علاوه، تساهل و تسامح رفتاری و اخلاقی با جدیت هر چه تمام تر در درون آن ترویج می شود و از این جهت، در مبانی و اصول و نیز در فروع، با وهابیت در تضاد کامل است.

برای آشنایی بیش تر با این دو فرقه خطرناک، شرح مختصری از تاریخچه آن ها را ارائه می دهیم:

۱. تاریخچه مختصری از وهابیت

«وهابیان»، پیروان محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان تمیمی نجدی هستند. او پیرو مکتب ابن تیمیه و شاگرد او ابن قیم الجوزی بود که عقاید جدیدی را در جزیره العرب بنیاد نهاد. نام این فرقه از نام پدر او، عبدالوهاب گرفته شده است.

شیخ محمد در شهر عینیه از بلاد نجد تولد یافت. وی از کودکی به مطالعه کتاب های تفسیر و حدیث و عقاید پرداخت و فقه حنبلی را نزد پدر خود که از علمای حنابله بود، آموخت.

محمد بن عبدالوهاب بعد از مناسک حج، به مدینه رفت و در آن جا استغاثه و استعانت مردم از پیامبر را انکار کرد و گفت: این عمل بر خلاف توحید است و استعانت و حاجت خواستن فقط باید از خداوند باشد. سپس به نجد بازگشت و از آن جا به بصره و شام رفت و به مطالعه کتاب های ابن تیمیه و ابن قیم پرداخت.

ابن تیمیه ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم حرّانی، از بزرگ ترین علمای حنبلی قرن هفتم و هشتم هجری بود و چون عقایدش مخالف افکار علمای معاصرش بود، وی را تکفیر کردند و به زندان انداختند. عاقبت از دست مغولان مهاجم از شام به قاهره گریخت، ولی در سال ۷۱۲ به دمشق برگشت و سال ۷۲۸ در قلعه دمشق درگذشت.

ابن تیمیه با این که خود و پدرش از علمای حنبلی به شمار می رفتند، مقید به تبعیت از مذهب فقهی احمد بن حنبل نبود و در مسائل کلامی در توحید و شرک غلو می کرد.

شمس الدین ابو عبدالله محمد معروف به ابن قیم الجوزی، شاگرد ابن تیمیه بود و مانند استاد خود از آرا و افکار مذکور دفاع می کرد و به اتهام بدعت گذاری در اسلام، به زندان افتاد.

محمد بن عبدالوهاب در مسافرت های خود ظاهراً به ایران نیز سفر کرده است. قدیمی ترین کتابی که در مورد مسافرت وی به ایران سخن گفته، کتاب «تحفة العالم» تألیف سید عبداللطیف تستری (شوشتری) است.

این کتاب در سال ۱۲۱۶ در حدود ده سال پس از وفات محمد بن عبدالوهاب (مصادف با حمله وهابیان به کربلا و نجف) تألیف گردیده و در آن، سفر او را به ایران و اصفهان ذکر کرده است.

شیخ محمد در سال ۱۱۰۶ به «درعیه» از نواحی معروف نجد رهسپار گردید. امیر درعیه که محمد بن سعود نام داشت، مقدم او را گرمی شمرد و سخنان وی را به مصلحت مقام خود دانست و به وی وعده مساعدت و یاری در گسترش عقایدش داد.

شیخ محمد، درعیه را موطن خویش قرار داد و به مردم آن سامان تفسیر قرآن پیاموخت و آنان را به اصول مذهب خود آشنا ساخت.

چون عده‌ای به مذهب وی گرویدند، به آنان فرمان جهاد علیه مردم نجد داد. ایشان به یاری محمد بن سعود بر نجد و قبایل ساکن در آن غلبه یافت و شهر ریاض را فتح کردند و از آن به بعد آل سعود آن‌جا را پایتخت خود قرار دادند.

شیخ محمد، اداره امور مردم را به عهده عبدالعزیز پسر محمد بن سعود واگذار کرد و خود به عبادت و تدریس پرداخت تا این‌که در سال ۱۲۰۶ رخت از جهان بربست.

شیخ محمد، مفهوم توحید و «لا اله الا الله» را طوری قرار می‌داد که جز معتقدان به این عقیده، موحد دیگری باقی نمی‌ماند. وی می‌گوید: لا اله الا الله نفی است و اثبات.

قسمت اول (لا اله) دلالت بر نفی جميع معبودات می‌کند و قسمت دوم (الا الله) عبادت را برای خدایی که شریک ندارد ثابت می‌نماید.

ایشان هم‌چنین می‌گوید: مهم‌ترین چیزی که خداوند بر آن امر فرموده، «توحید» است که مقصود از آن، منحصر ساختن عبادت به خدا می‌باشد و زشت‌ترین چیزی که خداوند از آن نهی فرموده، شرک است.

محمد جواد مغنیه در کتاب «هذه هي الوهابية» چاپ بیروت به استناد کتاب‌های محمد بن عبدالوهاب و آثار دیگر «وهابیان» می‌نویسد: به نظر وهابی‌ها، هیچ انسانی نه مؤحد است و نه مسلمان،

مگر این‌که امور معینی را ترک نماید که از جمله آن‌ها این چند مورد است:

۱. به وسیله هیچ یک از انبیا و اولیا به خدا توسل نجوید و هر گاه چنین کند و بگوید: ای خدا، توسط پیامبرت محمد(ص) به تو متوسل می‌شوم که من را مشمول رحمت خود قرار دهی، چنین کسی به راه مشرکان رفته و عقیده‌اش شرک است.

۲. به قصد زیارت به قبر پیامبر(ص) نزدیک نشود و بر آن دست نگذارد و در آن‌جا دعا نخواند و نماز نگذارد و بر آن، بنا و مسجد نسازد و برای آن نذر نکند.

۳. از پیامبر طلب شفاعت نکند، اگر چه خداوند حق شفاعت را به پیغمبر(ص) اسلام عطا کرده اما از طلب آن نهی فرموده است.

بر مسلمان جایز است که بگوید: «یا الله اشفع لی محمدا؛ یعنی محمد(ص) را شفیع من قرار ده»، ولی روا نیست بگوید: «یا محمد اشفع لی عند الله؛ ای محمد(ص) نزد خدا برای من شفاعت کن». کسی که از پیامبر طلب شفاعت کند مانند این است که از بت‌ها شفاعت خواسته باشد.

۴. هرگز به پیغمبر سوگند نخورد و او را ندا ندهد و آن حضرت را با لفظ «سیدنا» توصیف نکند و الفاضلی از قبیل: بحق محمد، یا محمد، سیدنا محمد(ص) بر زبان جاری نسازد.

۵. نذر برای غیر خدا و پناه بردن و استغاثه به غیر خداوند، شرک است.

۶. زیارت قبور و ساختن گنبد و بنا بر آن‌ها و تزئین قبور و سنگ و کتیبه نهادن و چراغ و شمع گذاشتن بر آن، شرک است.

همه مسلمانان معتقدند که هر کس شهادتین را بگوید، مسلمان محسوب می‌شود و خون و مالش محفوظ است، اما «وهابیان» می‌گویند: قول بدون عمل ارزش و اعتباری ندارد، بنابراین هر کس شهادتین را بخواند ولی از مردگان استعانت بطلبد، کافر و مشرک خواهد بود و خون و مال او حلال است.

«وهابیان» به پیروی از ابن تیمیه به ظاهر آیات و اخبار عمل می‌کنند و معتقد به تأویل و توجیه نیستند و به استناد ظاهر پاره‌ای از احادیث و آیات، خدا را دارای اعضا و جوارح می‌دانند. آنان نخستین پیغمبر را نوح و خاتم ایشان را حضرت محمد بن عبدالله (ص) می‌دانند.

در سرزمین ایشان زیارت قبور وجود ندارد و تمام قبرها با خاک یک‌سان است. روضه منوره پیغمبر (ص) را که تا به حال باقی می‌باشد، طوری قرار داده‌اند که کسی نمی‌تواند بدان نزدیک شود و قبر مطهر ابداً دیده نمی‌شود.

مذهب وهابی اکنون در عربستان سعودی، مذهب رسمی است و فتاوی علمای آن از طرف دولت اجرا می‌شود.

«وهابیان» در فروع مذهب تابع امام احمد حنبل هستند و بر هیچ یک از پیروان مذاهب اربعه مثل: حنفی، شافعی، حنبلی و مالکی ایراد نمی‌گیرند، ولی به پیروان دیگر مذاهب از قبیل: «شیعه»، «زیدیه» و «غلات» ایراد می‌گیرند.

«وهابیان» در سال ۱۲۱۶ هجری قمری بعد از خراب کردن قبور بقیع، به کربلا و نجف حمله کردند. حرم حضرت امام حسین (ع) را غارت نمودند و قریب چهار هزار نفر از مردم شیعه آن شهر را کشتند. ایشان بر آن بودند که گنبد رسول خدا (ص) را نیز خراب و با خاک یک‌سان کنند، ولی از بیم اعتراض دیگر مسلمانان از این کار خودداری کردند.

گویند: محمد بن عبدالوهاب بر سر قبر رسول خدا (ص) می‌رفت و با عصای چماق گونه خود بر قبر حضرت می‌کوفت و می‌گفت: ای محمد! اگر زنده‌ای برخیز، و با این عمل می‌خواست به پیروان خود نشان دهد که پیامبر زنده نیست و نباید از او حاجت خواست.

۲. تاریخچه مختصری از بهائیت

بهائیت، انشعابی از بابی‌گری و «بابیت»، انشعابی از «شیخی‌گری» است. در اوایل قرن

نوزدهم، شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی، مدعی رابطه مستقیم با امام زمان (عج) شدند و خود را واسطه میان مردم مسلمان و حضرت معرفی کردند. از همین جا راه و رسم شیخی پدید آمد و جمعی از افراد ساده لوح و گروهی از فرصت طلب‌ها به آن گرایش پیدا کردند.

پس از سید کاظم رشتی، شیخ ملاحسین بشرویه رهبری فرقه را بر عهده گرفت و در سفری به شیراز با سید علی محمد شیرازی (محمد باب) ملاقات نمود و مرید و سرسپرده او گردید. محمد باب بعد از ادعای بابیت امام زمان (عج)، ادعا می‌کند که خود امام زمان است. کار را تا ادعای نبوت پیش می‌برد و بعد از محاکمه و زندان در تبریز اعدام می‌شود. بعد از اعدام سید باب، عده‌ای از فریب خوردگان به تشویق و تحریک فرصت طلبان و توطئه استعمار، به میرزا یحیی نوری (صبح ازل) و عده‌ای دیگر به میرزا حسینعلی نوری (بهاءالله) گرویدند. بهاء، خود را پیامبر نامید و از همین جا فرقه بهائی پدید آمد.

میرزا حسینعلی نوری و میرزا یحیی نوری دو فرزند میرزا عباس بودند که در شهر نور مازندران زندگی می‌کردند. «بهاء» همراه با برادرش در تهران پرورش یافت و مقدمات علوم را آموخت. بهاء و برادرش در ابتدا به تصوف متمایل شدند و به مسلک درویش‌ها درآمدند. اما بعدها به باب گراییدند. این دو برادر ضمن ملاقات با علی محمد باب، تصمیم گرفتند که از طریق تلاش در راه بابیت به آب و نان و مقامی برسند، لذا بهاء و صبح ازل، در تهران کار تبلیغات بابیت را آغاز می‌کنند، آن‌گاه به مازندران و جاهای دیگر رفتند و همه جا فتنه و آشوب ایجاد کردند. باب هم به هنگام مرگ وصیت‌نامه‌ای نوشت و صبح ازل را جانشین خود کرد و بهاء را به محافظت او گماشت.

در این‌جا به چند مورد از عقاید بهائیت اشاره می‌شود:

۱. این فرقه می‌گوید: سید علی محمد باب، امام زمان است که ظهور کرده و با ظهور او اسلام پایان گرفته، اینک دین جدید ظهور کرده و مردم باید همگی بهائی شوند؛

۲. پنهان کردن دینشان را ضروری می‌دانند و به اصطلاح قائل به تقیّه هستند؛

۳. روزه، نوزده روز است قبل از عید شروع و به عید نوروز ختم می‌شود؛

۴. نماز جماعت باطل است مگر در نماز میت؛

۵. قبله آن‌ها مرقد بهاءالله است در عکا (فلسطین اشغالی)؛

۶. حج برای مردان واجب است و بر زنان واجب نیست. ضمن این که حج باید در خانه‌ای به جا آورده شود که بهاء در آن اقامت داشته، یا سیدعلی محمد باب.

۷. بهائیان اعیاد پنج گانه دارند: عید ولادت باب، اول محرم؛ عید ولایت بهاء، دوم محرم؛ عید اعلان دعوت باب، پنجم جمادی؛ عید نوروز.^{۱۱}

۸. به اعتقاد آنان، نماز پنج تکبیر دارد و در دو وقت خوانده می‌شود: یکی، هنگام تولد و دیگری، هنگام مرگ. به اعتقاد اینان مطهرات پنج تاست: آب، هوا، آتش، خاک و بیابان. همه چیز نجس است مگر آن چه آیه «الله اطهر» بر آن خوانده شود و عبادتگاه‌ها طبق وصیت بهاء باید از نه کناره و یک گنبد تشکیل بشود. این عبادتگاه‌ها در فرانکفورت در آلمان و سیدنی در استرالیا و کامپالا در اوگاندا، لیمیت در شیکاگو و پاناماسیتی در پاناما و دهلی نو در هندوستان است.

بعد از اعدام سیدعلی محمد باب، باییت به سه فرقه تقسیم شد و بعد از مرگ بهاءالله، نزاعی بین دو برادر عباس افندی و محمدعلی به وجود آمد که دو فرقه دیگر را ایجاد نمود و مجموعاً پنج فرقه شدند که عبارت‌اند از:

۱. ازلیه (به رهبری میرزا یحیی نوری، صبح ازل)؛

۲. بهائیه (به رهبری میرزا حسین علی، بهاءالله)؛

۳. باییه خالص (فقط رهبری سید علی محمد را قبول دارند)؛

۴. باییه بهائیه عباسیه (به رهبری عبدالبهاء عباس افندی)؛

۵. ناقصون (اتباع میرزا محمد علی، برادر عبدالبهاء).

کتاب‌های بهائیان عبارت‌اند از:

۱. الاتقان؛

۲. اشراقات والبیارات والطرزات؛

۳. مجموعه الواح مبارکه که وصایای بهاء به پسران خود می‌باشد؛

۴. کتاب شیخ؛

۵. الدرر البهیة؛

۶. الحجج البهیة؛

۷. الفرائد؛

۸. فصل الخطاب.

این کتاب‌ها را به بهاء نسبت داده‌اند ولی در حقیقت او ننوشته، بلکه پیروانش نوشته و به او نسبت داده‌اند.

در کتاب شخصیت و اندیشه‌های کاشف‌الغطاء، از سه کتاب دیگر اسم به میان آمده است: ۱- هفت وادی؛ ۲- هیکل؛ ۳- اقدس.^{۱۲}

□□□

● راه‌های حراست از خانواده

آقای جعفر لکزائی، شماره اشتراک ۱۳۸۶۷

□ راه‌های حراست از خانواده چیست و چگونه می‌توانیم آن را در جامعه تبلیغ کنیم؟

○ اگر منظورتان از «راه‌های حراست از خانواده» حفظ دین و عفت خانواده در برابر اوضاع اجتماعی امروز و تهاجم فرهنگی است، در جواب می‌گوییم: بهترین راه، انجام واجبات و ترک گناهان و تسلیم نشدن در برابر شهوت‌های سرکش و تمایلات نفسانی و فزون طلبی‌های روحی و روانی است؛ هم‌چنان که قرآن می‌فرماید: ای کسانی که ایمان

آورده‌اید خود و خانواده‌ خویش را حفظ و حراست کنید از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست. البته در کنار آن لازم است با تعلیم و تربیت، امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی در فضای خانه و خانواده و برآوردن نیازهای عاطفی، به حراست از خانواده پرداخت. این برنامه‌ای است که باید از نخستین سنگ‌بنای خانواده یعنی از مقدمات ازدواج و سپس نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد و در تمام مراحل با برنامه‌ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود.^{۱۳}

در حدیثی می‌خوانیم: وقتی آیه حفاظت و حراست از خانواده نازل شد، فردی از پیامبر اکرم (ص) پرسید: چگونه از خانواده خود در برابر آتش دوزخ حفاظت کنیم؟ حضرت فرمود: «آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر کن. اگر از تو پذیرفتند، ایشان را از آتش دوزخ حفظ کرده‌ای و اگر نپذیرفتند، وظیفه خود را انجام داده‌ای.»^{۱۴}

منظور از امر به معروف و نهی از منکر خانواده و حراست از آن‌ها این است که با توجه به شرایط سنی، روحی و فکری آنان، ایشان را با گفتار و عمل خویش راهنمایی کند؛ همان‌گونه که حضرت لقمان با فرزندش در همه زمینه‌ها و موضوعات به تناسب شرایط و در گذر زمان، سخن گفته است.

آن حکیم الهی در اکثر سخنان خود با واژه «یا بُنی» یعنی فرزند عزیز و دلبندم، سخن می‌گوید و این نکته را آموزش می‌دهد که طرز سخن گفتن با فرزند و خانواده چگونه باید باشد.

مرد باید الگوی خوبی در درون خانواده باشد و با رفتارهای خوب و اخلاق درست و صداقت و توجه به خواسته‌های مشروع اهل خانواده، آنان را شیفته و علاقه‌مند به خود سازد تا حرف‌ها و گفته‌هایش تأثیر داشته باشد. این هم مهم است که الگوی عملی بسیار بهتر و مؤثرتر از بیان زبانی است.

مرد، هم مسئولیت حراست از روح و روان، افکار و عقاید و عفت و پاک‌دامنی زن و فرزندان را به عهده دارد، هم مسئول حراست از سلامتی چشم و بدن و آبروی آنان است. البته این کار فرایندی طولانی دارد و محدود به یک زمان کوتاه نیست. زمان تربیت کودک را نمی‌توان حتی بلافاصله بعد از تولد دانست، بلکه به زمانی پیش از تولد برمی‌گردد. حتی جلوتر از زمان نزدیکی و بسته شدن نطفه.

از این رو در روایات اسلامی آمده است: هنگامی که قصد ازدواج دارید ببینید با چه کسی و چه خانواده‌ای وصلت می‌کنید و محصول ترکیب نطفه مشترک شما چه می‌شود و صاحب چگونه فرزندی خواهید شد؟

به طور کلی حفظ و حراست از خانواده را باید از انتخاب همسر آغاز کرد. در ادامه، از طریق احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و استحکام نظام خانواده و سالم‌سازی محیط، می‌توان به این مهم دست یافت.

● بی‌نوشت‌ها:

۱. ناصر مکارم‌شیرازی، پیام امام (شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه)، ج ۱، ص ۴۵۹.
۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۷۶۱.
۳. شوری (۴۲) آیه ۳۸.
۴. صبحی صالح، نهج‌البلاغه، حکمت ۲۶.
۵. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۰.
۶. همان، ص ۳۱.
۷. همان، ص ۵۱.
۸. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۵.
۹. جواهر، ج ۲۹، ص ۳۷.
۱۰. علی‌اکبر مظاهری، جوانان و انتخاب همسر، با تلخیص و اضافات.
۱۱. عبدالرزاق محمد اسود، المدخل دراساً الادیان و المذاهب، ج ۳، ص ۳۰۸-۳۱۱.
۱۲. برای آگاهی بیشتر: ر.ک. ۱. آیه‌الله العظمی کاشف الغطاء، شخصیت و اندیشه‌های کاشف الغطاء، ترجمه دکتر احمد

- بهشتی؛ ۲. نورالدین چهاردهی، بهائیت چگونه به وجود آمد؛
۳. محمدمهدی اشتیاردی، ارمغان استعمار.
۱۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۸۷.
۱۴. همان، ص ۲۹۳.

به طور کلی حفظ و حراست از خانواده را باید از انتخاب همسر آغاز کرد. در ادامه، از طریق احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و استحکام نظام خانواده و سالم سازی محیط، می توان به این مهم دست یافت.

زمان تربیت کودک را نمی توان حتی بلافاصله بعد از تولد دانست، بلکه به زمانی پیش از تولد برمی گردد. حتی جلوتر از زمان نزدیکی و بسته شدن نطفه.

مرد باید الگوی خوبی در درون خانواده باشد و با رفتارهای خوب و اخلاق درست و صداقت و توجه به خواسته های مشروع اهل خانواده، آنان را شیفته و علاقه مند به خود سازد تا حرف ها و گفته هایش تأثیر داشته باشد.

منظور از امر به معروف و نهی از منکر خانواده و حراست از آنها این است که با توجه به شرایط سنی، روحی و فکری آنان، ایشان را با گفتار و عمل خویش راهنمایی کند؛ همان گونه که حضرت لقمان با فرزندش در همه زمینه ها و موضوعات به تناسب شرایط و در گذر زمان، سخن گفته است.

همه مسلمانان معتقدند که هر کس شهادتین را بگوید، مسلمان محسوب می‌شود و خون و مالش محفوظ است، اما «وهابیان» می‌گویند: قول بدون عمل ارزش و اعتباری ندارد، بنابراین هر کس شهادتین را بخواند ولی از مردگان استعانت بطلبد، کافر و مشرک خواهد بود و خون و مال او حلال است.

بهائیت یک دین ساختگی و سیاسی است و اصلاً آنان در سلک مسلمانان قرار ندارند و همه بر باطل بودن آن اذعان دارند. آنان کتاب، آیین و قبله مستقل دارند. مبنای فکری و عملی آنان نیز بر تقیه و برخوردهای خوش و جذب افراد از راه‌های گوناگون و درگیر نشدن با سایر ادیان و مذاهب است.

تناسب و همتایی در علم و سواد و دین و ایمان و فرهنگ و فکر و اخلاق و تحصیلات علمی و سن و مال هر چه بیش‌تر باشد، مشکلات خانوادگی کم‌تر خواهد بود.

از مظاهر اخلاق بد، لجاجت و یک‌دندگی، سخت‌گیری‌های نامشروع، تکبر، بی‌ادبی، بی‌وفایی، کینه‌توزی، سوء ظن داشتن، سبکی و هرزگی، کم‌ظرفیتی و بی‌تابی، با محبت نبودن و بد چشم بودن است.

کسی که پای‌بند دین نیست، تضمینی وجود ندارد که پای‌بند رعایت حقوق همسر و ادامه زندگی مشترک باشد. اگر یکی دین‌دار و دیگری بی‌دین باشد، زندگی آنان روی سعادت را نخواهد دید. سعادت بدون دیانت، محال است.

کسانی که بخواهند با خویشان و آشنایان خود ازدواج کنند، کارشان آسان‌تر است و شاید لازم نباشد همه مسائلی را که درباره تحقیق بیان می‌شود، رعایت کنند، هر چند که آنان نیز از تحقیق و مشورت و بررسی برخی از جوانب مجهول، بی‌نیاز نیستند.

بعضی‌ها چنان راه نفوذ شیطان را بردل و اعضا و جوارح خود هموار می‌کنند که همه وجودشان را شیطان در اختیار می‌گیرد و یک پارچه شیطانی می‌شوند که باید از شر آنان به خدا پناه برد.
